



کنفرانس ملی یافته های نوین پژوهشی و آموزشی

عمران، معماری، شهرسازی و محیط زیست ایران

سوم دی ماه ۱۳۹۵ - تهران

National Conference of new research and training,
civil engineering, architecture, urbanism and environment of Iran

بررسی میزان اثربخشی استراتژی توسعه شهری (CDS) در برنامه ریزی و طرح های توسعه شهری

مریم صوفی^{۱*}، مهدی صوفی^۲، عباس حاجیلو^۳

۱- کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه علوم تحقیقات، تهران m.soofi69@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد عمران مدیریت ساخت، دانشگاه علوم تحقیقات، اصفهان kiyan.soofi@yahoo.com

۳- کارشناس ارشد معماری، دبیر کمیسیون معماری شهرسازی، شورای اسلامی شهر همدان hajilou.abas@gmail.com

چکیده

شهر به عنوان پدیده پیچیده و پویاست که در گذر زمان همواره دچار تحولات کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می شود. در نتیجه رشد سرسام آور شهرها مدیریت شهری به علت فقدان منابع و زمان لازم برای پاسخگویی به نیازهای فزاینده شهروندان، دچار معضلی گردیده که رهایی از آن را تنها در چهارچوب راه حل های نوین می توان جستجو کرد. فرآیند استراتژی توسعه شهری (CDS) بعنوان یک نظریه رویه ای-محتوایی و بعنوان رویکردی نوین در برنامه ریزی شهری توسط سازمان ائتلاف شهرها در سال ۱۹۹۹ با هدف کاهش فقر، توسعه پایدار و ارتقای مشارکت و حکمرانی خوب شهری مطرح گردید. این طرح، رویکردی راهبردی است که در کشورهای در حال توسعه با استقبال مواجه شده در حالی که طرح های جامع و تفضیلی که سند توسعه شهر در کشور ما محسوب می شوند، بیشتر نقش بازدارنده داشته و نقش هدایت کنندگی آنها بسیار کم رنگ است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع و اسناد مربوط به CDS و نیز مطالعه شهرهایی که این سند برای آنها تهیه شده است، به بررسی این رویکرد، اهداف، اصول و فرآیند تهیه آنها پرداخته می شود. تجربیات کشورهای مختلف نشان می دهد، وجود شخصیت مقتدری از مدیران شهری بعنوان «پیشاهنگ» و موتور محرکه فرآیند الزامی است. لذا بعنوان مکانیسم های اجتماعی، سازوکارهای درست و روابط مناسب میان گروه های ذینفع را تنظیم می نماید. توانایی این گروه های رابری ایجاد مدیریت خوب، تغییر رفتارهای رسمی، ارتقاء اقتصاد و مدیریت جامعه مدنی بهبود می بخشد.

واژه های کلیدی: شهر، استراتژی، توسعه شهر، شهرداری، برنامه ریزی شهری، CDS

۱- مقدمه

شهرهای در حال توسعه، مانند همتای صنعتی خود، با سرنوشتی نامعلوم مواجه شده اند. بیشتر شهرها با وظیفه مدیریت نرخ بی سابقه رشد جمعیت مواجه شده و تاکنون نیز قادر به کنترل مشکلات موجود نبوده اند. تمرکز زدایی از مسئولیت در سطوح محلی نیز اغلب با تخصیص منابع و شرایط اداری-سیاسی مطابقت نداشته است. با مرور آمار جهانی مشاهده می شود که شمار رشد فقر شهری، نابرابری در فرصتها و درآمد، موجب شده تا در شهرهای آفریقا، آمریکای لاتین و آسیا نزدیک به سه چهارم از جمعیت شهرنشین در مناطق حاشیه نشین و غیر رسمی ساکن باشند؛ که اغلب مورد بی